

باشد. همچنین صاحب اثر در چند جا (ص ۱۲۰، ۱۷۵، ۲۵۳) با اشاره به آثار و شهرت امام فخر رازی (۵۴۳-۶۰۶) نظر او را در کنار نظر باقلانی و غزالی می‌آورد و از یکی از مجالس وعظ او در خوارزم مطلبی نقل می‌کند. بدین ترتیب، تبصرة العوام در دوره شهرت فخر رازی و پیش از شکست پیروان حسن صباح، یعنی حدوداً پس از ۶۰۰ و پیش از ۶۵۳، به نگارش درآمده است (مقدمه اقبال، ص ۱۱۰-ج، زاید شبیری زنجانی، ش ۸، ص ۴۷-۴۹؛ دانش‌پژوه، ص ۱۰۲-۱۰۴؛ برای آگاهی از دیگر گزارشهای مورد استناد در این باره - شبیری زنجانی، ش ۹، ص ۵۴-۵۷).

تبصرة العوام به افراد مختلفی نسبت داده شده است. برخی سیدمرتضی معروف به علم‌الهدی، فقیه و متکلم شیعی (۳۵۵-۴۳۶)، را مؤلف آن دانسته‌اند که با توجه به تاریخ تخمینی تألیف این اثر - یعنی حدود یک قرن و نیم پس از درگذشت سیدمرتضی - این نظر نمی‌تواند صحیح باشد (نفیسی، ج ۱، ص ۷۲، ۱۳۰؛ صفا، ج ۲، ص ۱۰۳۳). همچنین این سخن که مؤلف کتاب، معاصر امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵) بوده و در مناظره‌ای که بین این دو درباره امامت صورت گرفته، بر غزالی چیره و موجب تغییر مذهب وی شده است (مقدس اردبیلی، ج ۲، ص ۷۴۱؛ شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۵۳۶؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۳۱۸-۳۱۹) از نظر تاریخی پذیرفتنی نیست (شبیری زنجانی، ش ۸، ص ۴۶، ش ۱۰، ص ۵۸). آقامحمدعلی کرمانشاهی نیز در مقام الفضل در احتمال وقوع این مناظره تردید کرده است (همانی، ص ۳۲۷). شوشتری (ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۳) نیز بر ناسازگاری این مناظره با مسلمات تاریخی تأکید کرده و مناظره را میان غزالی و سیدمرتضی ثانی، برادرزاده علم‌الهدی و پسر سیدرضی، دانسته است؛ اما افندی‌اصفهانی (ج ۳، ص ۳۰۷-۳۰۸) این «توجه» را «غیروجه» خوانده و ضمن نقل و رد نظر کسانی که تبصرة العوام را تألیف سیدمرتضی ثانی می‌دانند، قول مشهور (که ادامه مقاله) را پذیرفته است.

بنابر قول مشهور، مؤلف تبصرة العوام مرتضی‌بن قاسم داعی حسنی رازی است. این انتساب را نمی‌توان تأیید کرد، زیرا وی و برادرش، ابو حارث مجتبی‌بن داعی، هر دو از مشایخ مستجب‌الدین رازی^۵ (متوفی بعد از ۵۸۵) بوده‌اند، اما مستجب‌الدین در آثار خود هیچ اشاره‌ای به چنین تألیفی از مرتضی‌بن قاسم نمی‌کند. بعلاوه، عدم تطبیق زمان تألیف تبصرة العوام با تاریخ حیات این شخص حاکی از نادرستی این قول است (شبیری زنجانی، ش ۱۰، ص ۵۵-۵۷؛ تبصرة العوام، مقدمه اقبال، ص [و-ح]).

همچنین انتساب تبصرة العوام به فردی با نام سیدمرتضی

mission exposition, New York 1925; J. D. Douglas, ed., *The new international dictionary of Christian church*, Exeter 1974; *Encyclopaedia Britannica*, Chicago 1973, s.v. "mendicant: Christianity" (by Edward Cuthbert Butler), "monasticism: Christian monasticism" (by Michael David Knowles); *The Encyclopedia of religion*, ed. Mircea Eliade, New York 1987, s.v. "missions: Christian missions" (by Stephen C. Neill); George Park Fisher, *History of the Christian church*, London 1913; Cyrus Ghani, *Iran and the West: a critical bibliography*, London 1987; James Kritzeck, "Robert of Ketton's translation of Qur'ān", *Islamic quarterly*, vol. 2 (1955); *The Oxford encyclopedia of the reformation*, ed. Hans J. Hillerbrand, New York 1996, s.v. "mission" (by Wolfgang Reinhard); D. C. Somervell, *A short history of our religion: from Moses to the present day*, London 1922, Richard Thomas, "Missionary work in the Muslim world" (مقاله ارائه شده در کنفرانسی در گلاسگو، ۲۰۰۱).

/ سیدحسن امین /

تبصرة العوام، کتابی قدیمی به فارسی درباره ادیان و مذاهب، متعلق به اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم. نام کامل این کتاب تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام، و منسوب به مرتضی‌بن قاسم داعی حسنی رازی است (قس دانش‌پژوه، ص ۱۰۲، ۱۰۵). نام مؤلف در متن کتاب بصراحت نیامده (قس افندی اصفهانی، ج ۳، ص ۳۰۸) و به نظر اقبال (تبصرة العوام، ص ۱، پانویس ۱) عنوان «سیدمرتضی ملقب به علم‌الهدی» که در چند نسخه چاپی به مؤلف نسبت داده شده، نامی است الحاقی که در متن اصلی ذکر نشده و در برخی نسخه‌ها در حاشیه اضافه شده است. احتمالاً این امر سبب شده است که تبصرة العوام را به اشخاص مختلف با همین نام یا مشابه آن و یا حتی متفاوت با آن نسبت دهند (که ادامه مقاله). آنچه مسلم است، مؤلف عالمی شیعی و اهل خراسان در قرن ششم و هفتم بوده است، اما اطلاع دیگری از زندگی وی در دست نیست (د. فارسی، ذیل ماده: شبیری زنجانی، ش ۱۰، ص ۵۴؛ صفا، ج ۲، ص ۱۰۳۳-۱۰۳۴، قس ج ۲، ص ۱۴۴).

برای تعیین زمان تقریبی تألیف تبصرة العوام، می‌توان از گزارشهای موجود در آن استفاده کرد. به نوشته مؤلف (ص ۱۸۳) پیروان حسن صباح تا زمان وی باقی بوده و شوکت و مکتب داشته‌اند. از آنجا که ایشان تا حمله هولاکو در ۶۵۳ قدرت را به دست داشته‌اند، این کتاب باید پیش از این تاریخ نگاشته شده

رازی در گزارش ریو^۱ در «فهرست نسخ خطی فارسی در موزه بریتانیا»^۲ («ذیل» ص ۴) و نیز در کشف الحجب و الأستار کتوری (ص ۹۶) — که هیچ اطلاعی از وی به دست نمی‌دهند — به شناخت مؤلف این اثر کمکی نمی‌کند (صفا، ج ۲، ص ۱۰۳۳-۱۰۳۴؛ د. فارسی، همانجا؛ تبصرة العوام، مقدمه اقبال، ص [ا، ح]).

تبصرة العوام را از آثار ابوالفتح رازی، مفسر مشهور شیعی، نیز برشمرده‌اند، ولی از آنجا که وفات وی را حدوداً در نیمه اول قرن ششم دانسته‌اند، این انتساب نادرست خوانده شده است (آقابزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۳۲۰). گذشته از این، ابوالفتح رازی به تصوف گرایش داشته است و ذمّ صوفیه در تبصرة العوام دلیل دیگری بر نادرستی این انتساب است (افندی اصفهانی، ج ۲، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ قس تبصرة العوام، مقدمه اقبال، ص [ه]).

تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام، همچنانکه از نام آن پیداست، به توضیح گفته‌ها و نظریات برای عامه مردم می‌پردازد. در برخی گزارشها (— د. فارسی، همانجا؛ نفیسی، ج ۱، ص ۷۲؛ صفا، ج ۲، ص ۲۶۶) تبصرة العوام را قدیمترین کتاب شیعی فارسی در موضوع ادیان و مذاهب دانسته‌اند، و این در حالی است که کتاب فارسی بیان الادیان^۳ حدود یک قرن و نیم پیش در همین حوزه تألیف شده بود (تبصرة العوام، مقدمه اقبال، ص [الف])؛ احتمالاً اینان شیعی بودن مؤلف بیان الادیان را قطعی ندانسته‌اند. تبصرة العوام و بیان الادیان هر دو کتابهایی فارسی در موضوع ادیان و مذاهب‌اند که از قبل از استیلای مغول بجا مانده‌اند.

تبصرة العوام از جهت سلاست و فصاحت در حد بیان الادیان نیست، ولی به جهت تفصیل مطالب و گستردگی و جامعیت مهمتر از آن است (همانجا؛ براون، ج ۲، کتاب دوم، ص ۲۸۰؛ صفا، همانجا). در مجموع، اطلاعات گسترده و باریک‌بینی و دسترسی به منابع فراوان دست اول (برای نام منابع — تبصرة العوام، ص ۲۹۵) و سعه مشرب مؤلف، اثری ارزشمند در این زمینه پدید آورده است. مثلاً مؤلف در وجه تسمیه فرقه‌ها، به معنای ممدوح و نیز معنای مذموم آنها — که بیشتر دست‌آویز دشمنان هر فرقه است — اشاره می‌کند (ص ۲۸) و یا در ابتدای بحث از فرقه‌های منسوب به اسلام، بدقت، معنای متفاوت دین و ایمان و اسلام را ذکر می‌کند و میان اسلام و استسلام تمایز قایل می‌شود (ص ۳۶-۳۸). به نظر اقبال (همان، مقدمه، ص [الف - ب]) مؤلف تبصرة العوام در نقل حکایات فرقه‌های غیرامامیه و رد گفته‌های آنها از تعصب به دور

نبوده و در طرح آرا سعی در رد آرای سخیف و ضعیف داشته است؛ این نظر اقبال در منابع دیگر نقل شده است (برای نمونه — دایرة المعارف تشیع، ذیل ماده؛ صفا، ج ۲، ص ۱۰۳۴). اما از مقایسه تبصرة العوام با دیگر کتابهای آن دوره در موضوع ادیان و مذاهب، به نظر می‌رسد که در این داوری چندان جانب انصاف رعایت نشده است.

روزگار تألیف تبصرة العوام از لحاظ مجادلات مذهبی، بسیار مورد توجه است و نگارش کتابهای متعدد در این حوزه شاهدی بر این مدعاست (براون، همانجا). تبصرة العوام به نوعی نشان‌دهنده الگوی دینی ایران عصر سلجوقی است و به جهت اطلاعاتی که از توزیع جغرافیایی مراکز مذهبی آن عصر به دست می‌دهد، اهمیت دارد (باسانی، ص ۲۷۲، برای آگاهی بیشتر — ص ۲۸۰). ناگفته نماند که برخی گزارشهای تاریخی وی نیز از خطا به دور نیست (برای نمونه‌ها — شبیری زنجانی، ش ۹، ص ۵۸-۵۹)، اما به دلیل چند اشتباه و صرفاً به این دلیل که مؤلف از علمای حدیث بوده نباید کتاب را از حیث اطلاعات تاریخی ضعیف شمرد.

تبصرة العوام در ۲۶ باب تنظیم شده است؛ در بابهای اول تا سوم به ذکر ادیان پرداخته و نظریات و گفته‌های فلاسفه، مجوس، جهودان، ترسایان و صابیان را نقل می‌کند. مؤلف درباره مجوس بیشتر به اساطیر ایران نظر دارد (ص ۲۴-۲۷). وی در بیان فرق اسلامی، بنابر حدیث افتراق، تعداد فرقه‌ها را ۷۳ می‌داند، اما معتقد است که در اصل، همه فرقه‌ها شاخه‌های دو فرقه اهل سنت و شیعه‌اند که دشمنان هر یک آنها را بترتیب نواصب و روافض خوانده‌اند (ص ۲۸). احتمالاً نام تبصرة العوام فی تفصیل مذاهب المائتین (— نفیسی، ج ۱، ص ۱۳۰) که برای این کتاب ذکر شده، به این تقسیم‌بندی ناظر است؛ مقدس اردبیلی (ج ۲، ص ۷۴۱) می‌نویسد که الفصول الثامنه، اثر عربی منسوب به این مؤلف، بر اساس این دو فرقه تقسیم‌بندی شده است. مؤلف تبصرة العوام پس از طرح مسئله جانشینی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و رد نظر اهل سنت (ص ۲۹-۳۵)، در فصلهای بعد به ذکر فرقه‌های خوارج، معتزله، مُشَبَّه و مُجَسِّم و اصحاب تناسخ می‌پردازد (ص ۳۸-۹۰). حدیثی که مؤلف به نقل از کتاب قاضی محمد بن اسحاق زوزنی از پیامبر اکرم در باب پیشگویی تمام جزئیات ظهور فرقه کرامیه و لعن آنها نقل می‌کند (ص ۶۵)، حکایت از مخالفت‌های شدید با ابوعبداللّه کرام در آن دوره دارد. مؤلف مذاهب فقهی اهل سنت را در فصل مُشَبَّه طرح می‌کند و آنها را در تقسیم‌بندی نه چندان مرتبی هفت فرقه برمی‌شمارد (ص ۷۵؛ نیز — باسانی، ص ۲۷۲).

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ ایرج افشار، «کتابی از مؤلف تبصرة العوام»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال ۷، ش ۲ (دی ۱۳۳۸)؛ عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱-۱۴۱۵؛ آ. یاسانی، «دین در دوره سلجوقی»، در تاریخ ایران کیمیریج، ج ۵؛ از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، گردآوری جی. آبول، ترجمه حسن انوشه، تهران ۱۳۶۶ ش؛ ادوارد گرانویل براون، تاریخ ادبی ایران، ج ۲، کتاب دوم؛ از سنایی تا سعدی، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران ۱۳۵۷ ش؛ تبصرة العوام فی معرفة مقالات الأنام، منسوب به سید مرتضی بن داعی حسنی رازی، چاپ عباس اقبال، تهران ۱۳۶۲ ش؛ محمدنقی دانش‌پژوه، «کتابشناسی فرق و ادیان»، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۲ (شهریور ۱۳۴۴)؛ دایرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی، و بهاءالدین خرمشاهی، تهران ۱۳۶۶ ش - ۱۰ ذیل «تبصرة العوام» (از حسن انوشه)؛ د. فارسی؛ موسی شبیری زنجانی، «مؤلف تبصرة العوام»، در سهایب از مکتب اسلام، ش ۸ (تیر ۱۳۳۸)، ش ۹ (مرداد ۱۳۳۸)، ش ۱۰ (شهریور ۱۳۳۸)؛ محمد بن علی شریف لاهیجی، محبوب القلوب، عکس نسخه خطی موجود در کتابخانه بنیاد دایرة المعارف اسلامی؛ نورالله بن شریف‌الدین شوشتری، مجالس المؤمنین، تهران ۱۳۵۴ ش؛ محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، چاپ احمد فهمی محمد، قاهره ۱۳۶۷-۱۳۶۸/۱۳۶۹-۱۳۶۹، چاپ است بیروت [بی‌تا]؛ ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، تهران ۱۳۳۹ ش؛ اعجاز حسین بن محمد قلی‌کنوری، کشف الحجب و الأستار عن اسماء الكتب و الأسفار، قم ۱۴۰۹؛ احمد بن محمد مقدس اردبیلی، حلیقة الشیعة، چاپ صادق حسن‌زاده، قم ۱۳۷۷-۱۳۷۸ ش؛ سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران ۱۳۶۳ ش؛ جلال‌الدین همائی، غزالی‌نامه، تهران [۱۳۴۲ ش]؛

Charles Rieu, *Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum, London 1966, Supplement, 1977.*

/ لیلا هوشنگی /

تبصرة المتعلمین - علامه حلی

تَبَع، لقب عده‌ای از پادشاهان حمیری یمن. ریشه واژه تَبَع (جمع: تَبَاقِه) بدرستی روشن نیست. برخی مورخان وجه تسمیه تَبَع را تبعیت پادشاهان حمیری از نیاکان خویش، و گروهی دیگر پیروی تمام مردم یمن از این پادشاهان یا فراوانی اتباعشان دانسته‌اند (حمزه اصفهانی، ص ۱۰۶؛ جوهری، ج ۱، ص ۱۳۵)؛ نشان‌بن سعید حمیری، ج ۱، قسم ۱، ص ۲۱۸. به گفته یوسف محمد (الموسوعة الیمنیة، ذیل ماده)، تَبَع در سنگنوشته‌های کهن یمنی به صورت نام خاص آمده است نه به صورت لقب. همچنین فقط به آن دسته از شاهان حمیری اطلاق

گزارش نسبتاً مفصل وی از عقاید اشعری، برخلاف گزارش ابوالمعالی در بیان‌الادیان، احتمالاً نشانه‌ای از اطلاعات وسیعتر اوست (ص ۱۰۸-۱۲۲).

مؤلف در باب شانزدهم (ص ۱۲۲-۱۳۳) به فرقه‌های صوفیه نظر دارد و آنها را شش فرقه می‌داند (و جالب آنکه حلاج را ساحر می‌خواند). در باب بعد، بطمن، اقوال بزرگان تصوف را از رساله کشمیری نقل می‌کند (ص ۱۳۴-۱۴۱)؛ به نظر وی، صوفیان همه از اهل سنت‌اند و این دلیل محکمی بر محکومیت آنهاست. ظاهراً در این دوره شیعیان، بمراتب، بیشتر از اهل سنت با صوفیه دشمنی می‌ورزیدند و احتمالاً از میان شیعه هنوز بزرگانی در تصوف برنخاسته بودند (یاسانی، ص ۲۸۴-۲۸۵؛ صفا، ج ۲، ص ۲۲۲-۲۲۳).

در بابهای بعد به قومی که مدعی اهل سنت و جماعت بوده‌اند تعریض دارد، از جمله به عبدالقاهر بغدادی^۵ که در الفرق بین الفرق فرقه خود را ناجی می‌داند (ص ۱۴۲-۱۶۵).

در ادامه، مؤلف به مسائل دیگری از جمله فرقه‌های شیعی، ناجی بودن اثناعشریه، احادیثی در شأن اهل بیت، عقاید اثناعشریه، حکایت فدک و فضایح بنی‌امیه پرداخته است (ص ۱۶۷-۲۷۲). وی شیعه را به چهار فرقه تقسیم می‌کند که تا زمان وی باقی بوده‌اند: امامیان، زیدیان، اسماعیلیان، نصیریان، و فرقه اخیر را نیز به هفده فرقه کوچکتر تقسیم می‌کند. او (ص ۱۸۰-۱۸۱) می‌نویسد که این قوم را در هر جا با نامی خوانند؛ در اصفهان خرمیه، در قزوین و ری مزدکی و سنبادی، در ماهین مُحَمَّرَه، در آذربایجان قولیه و در ماوراءالنهر مُغان (قس شهرستانی، ج ۱، ص ۲۸۹).

ظاهراً تبصرة العوام اول بار در ۱۲۹۶ در لاهور و سپس در ۱۳۰۹ و ۱۳۱۳ در تهران، به ضمیمه کتاب قصص العلماء اثر میرزا محمد تنکابنی، و در ۱۳۱۳ ش به تصحیح اقبال در تهران منتشر شد (د. فارسی، همانجا). شیخ حسین بطیطی نیز این کتاب را به عربی ترجمه کرد و به ضمیمه قصص العلماء در ۱۳۰۴ و ۱۳۱۹ چاپ کرد (آقابزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۳۱۹؛ نیز - دانش‌پژوه، ص ۱۰۲-۱۳۰).

از دیگر کتابهای مؤلف تبصرة العوام، الفصول الثمّة فی هدایة العامة و نزّهة الکرام و بستان العوام را ذکر کرده‌اند که به عربی نوشته شده‌اند. چنانکه از عنوان این سه کتاب برمی‌آید و خود مؤلف نیز در آخر نزّهة الکرام اشاره کرده، وی برای ترویج مذهب شیعی و برای توده عوام کتاب می‌نوشته است. او در کتاب نزّهة الکرام به بحث از فضایل امامان اثناعشری پرداخته است (مقدس اردبیلی، ج ۲، ص ۷۴۱؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۳۱۹، ج ۲۴، ص ۱۲۳؛ دانش‌پژوه، ص ۱۰۵، ۱۱۸-۱۲۰؛ نیز - افشار، ص ۴۳-۴۵).